

ماهنامه مردم در جشن روزنامه «اومانیته» شرکت کرد

ارگان مرکزی حزب توده ایران

توده ایران را برای یک زندگی بهتر نشان دهد. تصاویر قهرمانان ملی ایران مانند ستار خان، حیدر عمو افغانی، خیابانی و روزبه، مبارزان جوان مانند وارطان و کوچیک شوشتری صحنه هایی از تیر باران افسران توده ای گروه سیلک و تصویر فاضلی در این نمایشگاه جای داشتند. تصویر بزرگ دکتر اراستی و دکتر مصدق عکسهای مربوط به دادگاه نظامی حکمت جو و خاوری تصویر بجنوری و عکسهای از تظاهرات وسیع جهانی که برای نجات جان آنان انجام گرفت در غرفه مخصوص ماهنامه مردم دیده میشد. چند قابیچه نفیس ایرانی و عکسهایی از شرایط زندگی و کار آفرینندگان خرد بقیه در صفحه ۸

نشان دهند. ۲۳ حزب از ۵ قاره جهان نمایشگاههایی ترتیب داده بودند. ماهنامه مردم، نیز در این جشن با دایر کردن غرفه مخصوص خود شرکت نمود. شعار آنها که زنده اند مبارزه میکنند، «اینجا جان دادند تا ایران زنده بماند، با حروف درشت بزبان فرانسه بالای نمایشگاه، ماهنامه مردم، چشم میخورد. حزب ما سعی کرده بود با نشان دادن زندگی مردم، شرایط کار و محرومیتهای کارگران و دهقانان ایران، صحنه هایی از مبارزات مردم، میتینگها، دموکراسیونها، اعتصابات، حملات نیرو های انتظامی به صفوف نمایش دهندگان، مبارزات ایرانیان و دانشجویان خارج از کشور، تصاویر شهدای نهضت، قهرمانان ملی، زندانیان سیاسی، تلاش و مبارزه ملت ایران و حزب

سی و یکمین جشن روزنامه «اومانیته» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در روز های ۱۰ و ۱۱ سپتامبر در پارک ون سان نزدیک پاریس تشکیل شد. در این جشن که بزرگترین جشن اومانیته از بدو تأسیس آن تا کنون بود در حدود یکمیلیون نفر شرکت کردند. گوی مخصوصی جهت روزنامه های احزاب برادر کمونیست و کارگری در نظر گرفته شده بود تا این مطبوعات با ترتیب نمایشگاه زندگی و مبارزه مات خویش را

در باره حوادث اخیر چین

تحوالات ماههای اخیر بویژه حوادثی که پس از پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در این کشور صورت میگرفت بیش از پیش نگرانی عمومی احزاب کمونیستی و کارگری و همه دوستداران و علاقمندان به چین را برانگیخته است. پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ماه گذشته چهار سال پس از پلنوم دوم در پکن تحت ریاست رفیق مائوتسه تونگ تشکیل گردید و به تصمیمات و اقدامات چهار ساله بوروی سیاسی حزب صحنه گذاشت و خط مشی عمومی انحرافی رهبری حزب کمونیست چین را که با مظاهر فراوانی از ناسیونالیسم و همونیسم و کیش شخصیت در آمیخته است تأیید نمود. باید افزود که این تأیید در حکم نقض صریح تصمیمات آخرین کنفرانس حزب کمونیست چین (کنفرانس هشتم) است که ده سال پیش تشکیل شده بود. در اطلاعیه پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مخصوصاً تصریح شده است که نامه بیست و پنج ماده ای معروف مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ که در آن برای نخستین بار پلانفرم جدید رهبری حزب کمونیست چین مطرح گردیده است و همچنین نه مقاله ای که در روزنامه ژن مین ژینال و مجله خوتسی بعنوان پاسخ نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی انتشار یافته اند همه و همه با نظر رفیق مائوتسه تونگ تلویین شد و مورد تأیید کامل پلنوم یازدهم است.

در اطلاعیه پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین یکبار دیگر اتهامات بکلی بی اساس سابق نسبت به رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی که بر رأس آنهمه ترین گردان جنبش کمونیستی جهانی قرار دارد تکرار شده است. حزب ما این اتهام زنیها و ناسزاگوئیها را شدیداً محکوم میکند و معتقد است این شیوه عمل بزبان همه جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در درجه اول بزبان کسانی است که چنین شیوه ای را برگزیده اند. تجارب نزدیک به پنجاه سال که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر میگردد ثابت نموده است که «کمونیسم ضد شوروی» هرگز وجود نداشته و نمیتواند وجود داشته باشد. حزب ما عقیده دارد که امروز مانند هر وقت دیگری ملاک انقلابیت هر حزب و هر گروه و هر فردی دوستی و احترام وی بکشورهای سوسیالیستی و در درجه نخست بکشور شوراهاست که این بزرگ اسلنگوار آنست. به برکت رهبری به اصطلاح انقلابی حزب کمونیست چین این روزها پکن به بزرگترین کانون تبلیغات نه بر علیه امپریالیسم بلکه علیه شوروی بدل گردیده و خیابانهای اطراف سفارت شوروی در این شهر به صحنه نمایشهای بسیار زشت و خجلت آوری پر شد شوروی تبدیل شده است که دنیای سوسیالیسم و جنبش بقیه در صفحه ۶

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

(ترها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب)

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران تاریخ سند خاسته را بین رفتای کمیته مرکزی (اعضاء اصلی و مشاور) و اعضاء هیئت تحریریه مطبوعات و رادیوی حزبی بمشاوره گذاشت و اینک این سند از طرف بوروی کمیته مرکزی پس از در نظر گرفتن بسیاری از تذکرات سوزمند رفقا و باستقبال جشن مهرگان امسال که با بیست و پنجمین سال تأسیس حزب مصادف است منتشر میگردد. بوروی کمیته مرکزی کوشیده است تا در این سند به مسائل حاد حزب و نهضت پاسخ دهد و با پاسخهایی موجود را دقیق تر و روشن تر سازد. ما همه زقتی حزبی و دوستان و هواداران حزب را به بررسی این سند دعوت میکنیم و خواهش داریم نظریات اصلاحی و تکمیلی خود را برای تصحیح و تنقیح آتی این سند یا بمنظور کمک فکری به تدارک اسناد نظیر برای بوروی کمیته مرکزی هرچه زودتر ارسال دارند.

۱- ویژگیهای فعالیت حزبی طی ربع قرن گذشته

و جایگاه آن در تاریخ کشور ما

۱- امسال جشن باستانی مهر گمان، جشن پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر که جشن تأسیس حزب توده ایران است با بیست و پنجمین سال تأسیس این حزب مصادف است. جنبش انقلابی کارگری در ایران دارای یک پیشینه شصت ساله است. «مراکز غیبی» سوسیال دموکراسی انقلابی در جنبش بزرگ ویرافخار مشروطیت ایران نقش سازمانده و الهامگر را ایفا کرده اند. «حزب کمونیست ایران» که از درون سوسیال دموکراسی انقلابی بیرون آمد، سنن آنرا ادامه داد و در زمینه ترویج اندیشه کبیر مارکسیسم - لنینیسم و پرورش کادر انقلابی، در راه افشاء ارتجاع و استعمار و مبارزه علیه آنها فعالیت ثمربخش کرد. حزب توده ایران در مهرماه ۱۳۲۰ بعنوان ادامه دهنده کار حزب کمونیست ایران با شرکت بازمندگان سازمان های انقلابی پیشین که اکثرآ از زندانها و تبعیدگاهها بازگشته بودند و در اثر سقوط حکومت استبدادی رضا شاه امکان فعالیت یافته بودند، تشکیل شد. حزب طی مدت کوتاهی پس از تأسیس خود از چند حوزه کوچک یک جنبش عظیم و ایرانگیر بدل گردید و علیرغم یورشها و توطئه های ارتجاع و امپریالیسم سرعت در میان کارگران و دهقانان، روشنفکران و دیگر قشرهای زحمتکش نفوذ یافت. ۲- حزب توده ایران طی یک چهارم سده، طی دورانی که در جهان و ایران رویداد های بزرگ و شگرفی گذشته و تاریخ فراز و نشیب های عبرت آمیزی را پیموده است، بقاء و هستی خویش را با سرسختی حفظ کرده است. راز این بقاء در آنست که بیدایش حزب توده ایران امری تصادفی نبود. بیدایش حزب توده ایران ناشی از ضرورت های رشد جامعه ایران و بویژه رشد طبقه کارگر و جنبش رهایی بخش مردم ایران بود. جامعه ایران به حزب طراز نوین طبقه کارگر مجهز به جهان بینی انقلابی و علمی مارکسیسم - لنینیسم که بتواند تناقضات اجتماعی را بدرستی بازشناسد، درمان دردهای آنرا بدست دهد، در برابرش افق روشن تلاش و نبرد برای نیل به دموکراسی و سوسیالیسم بگشاید و برنامه علمی یک تحول بنیادی جامعه را عرضه دارد و در راه تحقق چنین برنامه ای صادقانه و بیگانه برزمد، نیاز فراوان داشت. علت دیگر بقاء و جان سختی حزب آنست که وی به سنن نهضت های انقلابی نیم قرن اخیر ایران تکیه کرد و پیوسته پیوند خویش را با مردم حفظ نمود و مظهر بقیه در صفحه ۲

درد بر خلق قهرمان ویتنام که با مقاومت بی نظیر در برابر امپریالیسم متجاوز امریکا از آزادی خویش دفاع میکند

ویتنام که یکدل و یک جهت از استقلال و آزادی کشور خویش دفاع میکند بحق احترام عمیق و پشتیبانی کلیه خلقهای جهان را بخود جلب نموده است. نفرت و انزجار نسبت به تجاوزکاران امریکائی و اعمال غیر انسانی آنها سر تا سرگشی را فرا گرفته و صغلی اعتراض از اکناف جهان و از جمله از خود امریکا برخاسته است. مردم صلح دوست و آزادیخواه سر تا سر جهان با انواع تظاهرات و نمایشها همدردی و پشتیبانی خود را نسبت به مردم ویتنام ابراز داشته و خواستار پایان دادن به این جنگ رسوا و خورج نیرو های تجاوز کار امریکا از خاک ویتنام شده اند. بدیهی است مردم ایران که خود سالهاست در راه استقلال و آزادی و رهایی کشورشان از چنگال امپریالیست های امریکائی و انگلیسی مبارزه میکنند نمیتوانند پشتیبانی خود را از حقوق ملت کوچکی که قهرمانانه برای دفاع از استقلال و آزادی خود در برابر نیرومند ترین و خونخوار ترین امپریالیستها بپا خسته است دریغ دارند. مردم ایران که خود و کشورشان از نخستین آماجهای یک جنگ جهانی احمالی شمار

هموطن عزیز! خواهران و برادران! آتش جنگ تجاوزکارانه ای که بمبارکان امریکائی در ویتنام برافروخته اند بیش از پیش دامنه و وسعت مییابد. امپریالیستهای امریکائی که با وجود نیروی هگمت نظامی و تجهیزات عظیم جنگی خویش تا کنون کوچکترین موفقیتی در این جنگ رسوا بدست نیامده اند، میکوشند تا بلکه بزور بمبهای آتش زا با افشاندن مواد گوگردی و سمی روحیه استوار مردم ویتنام را متزلزل کنند و خلق قهرمان ویتنام را از پا در آورند. روزی نیست که صد ها خانه و کاشانه مردم دلیر ویتنام، در شمال و جنوب این کشور ویران نگردد و صد ها نفر کودک و زن و مرد در این آتش بیدار نسوزند. گسترش دامنه جنگ تجاوزکارانه در ویتنام و مداخله نیرو های نظامی ایالات متحده امریکا در جنوب این کشور و در جمهوری دموکراتیک ویتنام نه تنها ناقض ابتدائی ترین اصول انسانی و قواعد بین المللی است بلکه روز بروز خطر درگیر شدن یک جنگ جدید جهانی را بیشتر میکند و صلح عمومی را بیش از پیش مورد تهدید قرار میدهد. یابنداری بی نظیر و مقاومت قهرمانانه خلق

بقیه در صفحه ۷

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

تازه ها، رهنمودها و شعارهای کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

دشمن مشترک است.

۹ - حزب توده ایران به وسیع ترین فعالیتها برای متشکل کردن کارگران دست زد. اعضای حزب ما در پیدایش سازمانهای

معتبر کارگری و سندیکائی مانند «شورای متحده کارگران و زحمتکشان» و «شورای مؤتلفه مرکزی کارگران» که دهها و صدها هزار کارگر و رسته های مختلف را در سندیکاها متحد میکردند نقش درجه اول و رهنمون بازی کرده اند. این سازمان های کارگری برای اثبات شخصیت و موجودیت طبقه کارگر ایران و دفاع از حقوق حقه وی مبارزات وسیع دامنه داری کرده اند و به کامیابیهائی رسیدند که خود تاریخی افتخار آمیز دارد. مبارزات حزب ما و شورای متحده در راه تنظیم و تصویب قانون کار و بسیج مبارزات مطالباتی و اعتصابی و سرانجامی غالب حزب ما بدفاع از منافع طبقه کارگر وی را بحق در نزد طبقه کارگر ایران محبوب و محترم ساخته است.

۱۰ - حزب ما در راه تحقق يك برنامه ارضی مترقی، برای تقسیم بلاعوض زمین بین دهقانان بی زمین و کم زمین، برای افشاء عوامفریبهای هیئت حاکمه در زمینه اصلاحات ارضی مبارزه کرده است. حزب ما فعالیت وسیع برای متشکل کردن دهقانان دست زد و توانست در این راه بارها کامیابیهای شایانی کسب کند و دهها و صدها هزار روستائی را در اتحادیه های دهقانی متشکل گرداند و دهقان ایرانی را از خواب دیرینه براه انگیزد و از تسلیم بسرنوشت رقت بار و جور و ستم ارباب و زاندارم و هیئت حاکمه دور سازد و بسوی نبرد مطالباتی و اجتماعی سوق دهد. با همه ارزندگی تلاشهای حزب ما در این راه، این تلاش بعد کافی نبود و کار حزب در این رهگذر دارای نارسائیهای فراوان بوده و هست.

۱۱ - حزب توده ایران نخستین حزب انقلابی در کشور مناست که دست به فعالیت وسیع و یکپارچه برای متشکل کردن افراد ارتش ایران زد و در راه متشکل کردن افسران و درجه داران بوقفتهای شایان رسید. «سازمان نظامی حزب توده ایران» از جهت تشکیلی و تعداد اعضا خود در میان سازمانهای نظامی انقلابی در کشور های سرمایه داری کم نظیر بود. این سازمان که از میان صفوف آن قهرمانانی بنام بیرون آمدند صحیفه های تابناکی را در تاریخ مبارزات مردم ثبت کرده است. نام دهها تن از اعضای این سازمان که در حوادث و عرصه های مختلف مبارزه چه قبل و چه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شهید شدند در لوح افتخار

آن جلو گیری بعمل آورند و این خود به بهترین نحوی نشان میدهد که کدام حزب در راه رهائی واقعی کشور از زنجیر اسارت امپریالیستی مبارزه مؤثر میکند.

۷ - حزب بعضی تأسیس خود نبرد با عمال رضا شاه را یکی از شعارهای خویش قرار داد و بعد ها با تمام قوا کوشید تا از تجدید دیکتاتوری در کشور جلوگیری بعمل آورد و دستگاه دولتی از عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم تصفیه گردد. حزب ما در راه آزادیهای دموکراتیک، اجراء اصول قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، علیه استبداد و سلطنت مطلقه محمد رضا شاه و عمال آن با تمام قوا مبارزه کرده است. همین مبارزات یکپارچه حزب است که کینه سوزان در برابر دیکتاتوری و سلطنت مطلقه را بسوی وی برانگیخت. ارتجاع ایران بارها سرکوب حزب ما را مقدمه ضرور سرکوب جنبش استقلال طلبی و آزادیخواهی ایران شمرده و در واقع نیز تاخت و تاز علیه حزب ما خواه پس از بهمن ۱۳۲۷ و خواه پس از مرداد ۱۳۳۲ مقدمه تاخت و تاز علیه دیگر سازمانهای ملی و مترقی بود.

۸ - حزب توده ایران در راه تجمع و اتحاد کلیه نیروهای دموکراتیک و انقلابی خواه برای نیل به هدفهای تاکتیکی و خواه در راه هدفهای استراتژیک نهضت و برای تقویت جبهه مبارزه بر ضد استعمار و ارتجاع طی تاریخ حیات خود مبارزات و اقدامات مؤثری بعمل آورده است و نتایج معنی رسیده است. پیدایش «جبهه آزادی» اقدامات فراکسیون حزب ما در مجلس ۱۴ برای همکاری با عناصر مترقی در مبارزه علیه اقدامات و توطئه های سید ضیاء الدین طباطبائی و دکتر میلوسی و حکومتهای ساعد و صدر و حکیمی و غیره، تشکیل «جبهه مؤتلف احزاب آزادیخواه»، «جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری» همه و همه ثمرات مشخص کوشش حزب ما در این زمینه است. حزب ما در حادثه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با تمام قوا برای سقوط حکومت خائن قوام و بازگشت مجدد دکتر مصدق بقدرت همراه دیگر نیروهای ملی مبارزه کرده است. در دوران پس از ۳۰ تیر ماه و سپس در سالهای اخیر که رژیم کودتا در ایران مسلط است حزب دمی از این تلاش غفلت نورزیده است و با تمام قوا برای نیل به اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک که مهمترین ضامن پیروزی جنبش است مبارزه کرده و میکند. تردیدی نیست که در برخی موارد سیاست حزب ما در این زمینه از یکپارچگی خطاهای سبکباز صحنه از جمله در دوران جنبش ملی شدن نفت محزون نمائند. ولی آنچه که شاخص این سیاست است کوشش حزب در راه تجمع نیروها بر ضد

شرایط ایران و ترویج وسیع این اندیشه انقلابی در کشور ما شیوه عمل انقلابی و منطق انقلابی را در اعماق روح قشرهای دموکراتیک جامعه ایران رخنه داده است. حزب ما طی این ربع قرن پرچم انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی با احزاب برادر کمونیست و کارگری و بویژه حزب کمونیست شوروی - آزمووده ترین و آبدیده ترین گردان جنبش کمونیستی جهانی و دوستی با کشورهای سوسیالیستی را سرفراز نگاهداشته و با پدیده های کوتاه نظرانه ناسیونالیستی و روشهای تفرقه جوینه در نهضت کارگری و کمونیستی جهانی مبارزه کرده است.

۵ - حزب ما با ادامه سنن سوسیال دموکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران توانست نقش بزرگی در رستخیز سیاسی و اجتماعی و معنوی کشور و بیداری مردم آن با دامنه ای بمراتب وسیعتر از گذشته ایفاء نماید و مهر و نشان خود را بر حوادث ربع قرن اخیر کشور بگذارد و شهرت و اعتباری انکار ناپذیر در کشور و جهان کسب کند. در تاریخ کشور ما چنین حزبی با چنین دامنه عمل و تأثیر و شهرت و اعتبار سابقه نداشته است.

۶ - حزب توده ایران در راه استقلال و حاکمیت کشور و علیه امپریالیسم و استعمار نو و کینه مبارزات جانانه کرده است. این حزب نخستین حزبی است که مسئله مبارزه با امپریالیسم و استعمار نو و کینه را در کشور بمعنای وسیع و عمیق آن مطرح کرده و توده های مردم را بسوی این مبارزه، سوق داده است. حزب همزمان پیدایش خود با فاشیسم که در آن هنگام آزادی و استقلال ملل جهان را دستخوش تهدیدی مرگبار ساخته بود و در ایران شبکه وسیع عوامفریبی و خرابکاری خود را گسترده بود وارد مبارزه شد و توانست چهره دد فاشیسم را بر دم ایران بشناساند و عمال هیتلریسم را در ایران مفرد سازد. مبارزه علیه دسائس گوناگون امپریالیستهای امریکا و انگلیس و عمال آنها صفحات درخشانی از نبرد حزب ما در راه استقلال واقعی کشور است. امپریالیستها در کشور ما دارای ریشه های عمیقی در قشر های حاکمه و دارای عمال فراوان و رنگارنگ و شبکه های وسیع جاسوسی و وسائل و اهرمهای مختلف کار و اعمال نفوذند. از این جهت مبارزه با این دشمن بزرگ مردم ایران کار ساده ای نبود و نیست. پیگیری و شور و شجاعتی که حزب ما در این مبارزه بخرج داد وی را مورد کین بی پایان امپریالیسم قرار داده است. امپریالیستها بکینه و پنهانی از اعمال قهر آشکار تا شیوه های ظریف و پنهان و قریب متوسل شده و میشوند تا از گسترش نفوذ حزب ما و پیشرفت

بهترین منویات و آرمانهای آنان شد. طی ربع قرن اخیر احزاب متعددی برای مقابله با حزب ما و جنبش مردم از سوی هیئت حاکمه، دولت، دربار ساخته و پرداخته شدند که همگی از حمایت امپریالیسم و ارتجاع برخوردار بودند ولی پس از چندی از میان رفتند و یا از آنها جز نامی و عنوانی در میان نیست. ولی حزب توده ایران با آنکه آماج اصلی آتش ارتجاع و استعمار بوده و مصائب فراوانی را متحمل شده است کماکان پایدار است.

۳ - حزب توده ایران طی زندگانی خود بتدریج بعنوان يك حزب طراز نوین طبقه کارگر نهض و قوام یافت و مشی خود را در جریان مبارزه از جهت انعکاس عقیدت خواستهای و مصالح طبقه کارگر و متحدین اجتماعی وی دمدم مشخص تر ساخت. تاریخ بیست و پنجساله حزب از مراحل مختلف میگذرد و سرشار از تنوع اشکال مبارزه است. میتوان تاریخ حزب را به دوران اساسی تقسیم کرد:

دوران اول - دوران فعالیت علنی حزب (از مهر ماه ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۲۷)
دوران دوم - دوران فعالیت غیر علنی حزب تا کودتای شاه - زاهدی (از بهمن ۱۳۲۷ تا مرداد ۱۳۳۲)
دوران سوم - دوران فعالیت حزب در رژیم کودتا (از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا امروز).

حزب در دوران فعالیت علنی خود به بزرگترین نیروی سیاسی و اجتماعی خلق برای مقابله با ارتجاع و استعمار مبدل شد، در دولت و مجلس شرکت یافت، دهها هزار نفر را در صفوف خود و صدها هزار نفر را در صفوف اتحادیه هایی که تحت رهبری توده ایها بود متشکل ساخت. حزب در دوران بعدی بسرعت توانست سازمان مخفی نیرومندی بوجود آورد و با موفقیت کار مخفی و علنی را باهم پیوند دهد و در جنبش ملی کردن صنایع نفت ایران نقش بزرگی ایفاء کند و سرانجام حزب در دوران سوم کوشید تا بر دشواریهای ناشی از یورش بی امان دشمن و بحران و اختلافات درونی غلبه کند و چراغ نهضت و مبارزه را فروزان نگاه دارد. چنین حزبی که از کوره امتحانات متعدد بیرون آمده و کماکان و بحق در صف مقدم جنبش رهائی بخش ایران یکپار میکند و ست و شور انقلابی خود را در نامساعد ترین شرایط محفوظ داشته و وفاداری بی خلل خود را به آرمانهای طبقه کارگر ایران نگاهداشته است، حق دارد به آینده خود با امید بنگرد.

۴ - حزب ما طی ربع قرن در قشر اندیشه خضر نون مارکسیسم - لنینیسم را افرایش نگاهداشته و با انواع انحرافات چپ و راست، سکتاریستی و اپورتونیستی مبارزه کرده است. حزب ما با انطباق مارکسیسم - لنینیسم بر

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

ترها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

ابدی تاریخ کشور ما حاکم است. شایان تصریح است که کار حزب ما در میان افراد ارتش در کنار یک رشته کامیابها با یک سلسله نارسائیهای سازمانی و اشتباهات جدی همراه بوده است.

۱۲ - حزب توده ایران به وسیعترین فعالیت سازمانی و تبلیغی در میان قشرهای گوناگون زنان اعم از کارگر و روشنفکر دست زد و در این زمینه سنن حزب کمونیست ایران را که از بنیادگذاران جنبش رهایی زنان است ادامه داد. حزب توده ایران برای نخستین بار در مجلس چهاردهم طرح حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زن را عرضه داشت. موفقیت حزب ما در ایجاد یک نهضت بزرگ در میان زنان ایران برای مطالبه حقوق حقه خود قابل ملاحظه بود. فعالیتهای سیاسی، تظاهراتی، مطبوعاتی، اجتماعی زنان که بوسیله حزب رهبری میشد، این بخش عظیم جامعه ایران را بجاگاه بیداری، تلاش و تکاپو افکند. حزب کماکان در راه افشای عوامل پستیهای دربار پهلوی که مدعی «نجات» زنان کشور ماست و در راه ارائه مشی صحیح مبارزه صنفی زنان ایران بیکار میکند.

۱۳ - حزب ما طی ربع قرن گذشته کار وسیعی در میان جوانان دانشجو و دانش آموز و روشنفکر و جوانان کارگر و روستایی انجام داد و برای جوانان ایرانی میدان عمل، دورنمای مبارزه و تلاش پدید آورد. جوانان ایران تحت رهبری حزب ما بارها نمونه های درخشان فداکاری و از جان گذشتگی و پایداری در برابر مشکلات از خود نشان دادند. سازمان جوانان توده ایران صفحات روشنی را در تاریخ مبارزات انقلابی جنبش مترقی جوانان ایران نگاشته است. حزب ما برای نخستین بار در ایران مسئله دفاع از کودگان ایرانی را با صراحت و قوت تمام مطرح ساخت و برای تأمین کودکی سعادتمند دست به مبارزه زد.

۱۴ - فعالیت حزب ما در میان روشنفکران کشور از فصول درخشان و ارزنده فعالیت اوست. حزب ما یکصد روشنفکران انقلابی طراز نوین در دامن خویش پرورده است که از روحیه های درویشانه و تسلیم طلبانه جدایی از مردم و زندگی، دمساز شدن با محیط و آستان بوسی در قبال قدرت موجود بدورند و بزرنگی برخوردی مثبت و بیکار جوانانه دارند، بردم و مین عشق میورزند. حزب ما بحق بدین آنکه می بالد که در ایجاد یک رستخیز زوجی و معنوی در ایران سهمی شایان داشته است و تکان مؤثری در زندگی علمی و هنری کشور ایجاد کرده است. مبارزات سیاسی و مسلکی حزب، فعالیت فداکارانه افراد حزب جامعه را از رخوت و تسلیم بیرون آورده و در جاده تلاش و طلب

سیر داده است.

۱۵ - حزب ما در راه تأمین برابری حقوق و دفاع از حقوق خلقها و اقلیتهای ملی کشور ما مبارزات وسیع کرده است. بهترین نمودار صداقت حزب ما سیاست ملی لنینی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش دفاع پیدریغ حزب ما از جنبش دموکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان بود که خواستار حقوق خویش در چارچوب حفظ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی وطن ما ایران بوده و هستند. یکی از اقدامات مهم حزب ما احیاء وحدت رهبری و سازمانی حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۳۹ برای اجراء اصل لنینی ضرورت وحدت سازمانی و رهبری کلیه سازمانهای کارگری در کشور کثیرالمله است. موافق تصمیمات متخذه در کنفرانس وحدت، سازمان فرقه دموکرات آذربایجان بعنوان سازمان ایالتی وارد در ترکیب سازمانی حزب واحد طبقه کارگر ایران حزب توده ایران گردید. حزب توده ایران و مبارزان آن نه تنها در شرایط کار عسلی، بلکه در شرایط کار مخفی در دادگاه در بسته نظامی بارها از حقوق حقه خلقهای ایران دفاع کرده اند. این روش موجب آن شده است که خلقها و اقلیت های ملی در ایران، حزب توده ایران را بحق مدافع یکبر منافع خود میشمرند و بوی اعتماد دارند و در جریان مبارزات حزب شرکت فعال و فداکاری های فراوان کرده اند. حزب در این مشی پیوسته با دو انحراف شوینسم و ناسیونالیسم محلی که هر دو برای جنبش انقلابی ما زیان بخشند مبارزه کرده است و خواهد کرد.

۱۶ - فعالیت مطبوعاتی و تبلیغاتی حزب ما از صفحات درخشنده تاریخ مبارزات اوست. جراید و مجلاتی مانند «سیاست»، «رهبر»، «مردم»، «رزم»، «دنا»، «بسی آئینه»، «صبح امید»، «آذربایجان» و یک سلسله جراید و مجلات دیگر که ناشر افکار سازمان مرکزی حزب و سازمان جوانان توده ایران بوده اند و یا نقش ناشر افکار را ایفاء کرده اند همراه با صد هاروزنامه و مجله و کتب و رسالات دیگری که در تهران و شهرستانها و خارج از کشور از طرف حزب ما نشر یافته، تألیف و یا ترجمه شده است و نیز رادیوی «یک ایران» تأثیر معنوی زرینی در جامعه ایران باقی گذاشته است. فعالیت مطبوعاتی و تبلیغاتی حزب حربه نیرومند وی برای ترویج جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی و مشی حزب و بسیج فکری و معنوی توده ها بوده است. حزب بحق باین فعالیت دامنه دار، یکگیر و مؤثر مطبوعات و سازمانهای تبلیغاتی خویش میبالد.

۱۷ - یکی از مختصات حزب ما در فعالیت ۲۵ سالگیست دست زدن بانواع اشکال فعالیت های عسلی و مخفی است. حزب ما با

مبارزات خود توانست در مجلس و دولت شرکت کند و از تربیون مجلس و امکانات دولتی برای مدافعه از منافع مردم استفاده نماید و از این آزمون سربلند بیرون آید. حزب ما تنها مدت هفت سال بفعالیت عسلی پرداخت. پس از توطئه بهمن ۱۳۲۷ که حزب توده ایران برخلاف قانون «منحله» اعلام شد در شرایط جدید سرعت تجدید حیات کرد و سازمان مخفی نیرومندی بوجود آورد و بامهارت - کار مخفی و عسلی را در آمیخت. سازمانهای عسلی متعددی در سراسر کشور به بازگ حزب ما گوش فرا میدادند و براه او میرفتند. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب نهضت ملی مردم ایران حزب ما وارد دوران کار عمیق مخفی شد. بخشی از فعالیت حزب به هاجرت انتقال یافت. حزب با تلفیق کار در خارج و داخل کشور توانست موجودیت خود را در یکی از دورانیهای بسیار دشوار حملات هار ارتجاع محفوظ دارد. فعالیت حزب ما در هیچ دورانی متوقف ننماند و تعطیل نشد. حزب ما نخستین حزبی بود که پس از استقرار رژیم کودتا بار دیگر پرچم مبارزه را برافراشت، بیخ سکوت را شکاند و قشرهای مختلف را بر عرصه مبارزه کشاند. حزب از امکانات کار در خارج استفاده وسیعی برای معرفی چهره دژ خیمانه رژیم کودتا نمود و کوشید تا آوای حزب را در کلیه مجامع بین المللی پرطنین نگاهدارد.

۱۸ - حزب در مشی خود در مسائل جهانی پیوسته مدافع صدیق صلح و همزیستی مسالمت آمیز، خلع سلاح عمومی، تخفیف و خامت بین المللی، دوستی و همکاری خلقهای جهان، پشتیبان جنبشهای انقلابی و رهایی بخش ملی، دوستی ایران و کشورهای سوسیالیستی و از آنجمله و بویژه دوستی ایران با همسایه شمالی را اتحاد شوروی، مدافع اصل همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، مبارزه یکگیر علیه امپریالیسم، استعمار نو و کهن بوده است و خواهد بود. دشمنان طبقاتی و محافل مختلف، ای چه بسا کوشیدند سیاست واقع بینانه، اصولی و انقلابی حزب را در مسائل جهانی، بویژه انترناسیونالیسم وی را مورد سوء تعبیر و مغلطه قرار دهند ولی سیر حوادث پیوسته صحت اصولی و عملی این سیاست را که از منافع و مصالح مردم ایران و استقلال و حاکمیت مین ما برمیخیزد ثابت کرده است. حزب ما باصل انترناسیونالیسم پرولتاری وفادار است و با هر گونه ناسیونالیسم بورژوائی مبارزه کرده و خواهد کرد. حزب مین پرستی عمیق خود یعنی ایمان بیکران خود را به مصالح حیاتی اکثریت عظیم مردم ایران، حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی و آزادی و ترقی کشور بارها و در عرصه کردار

به ثبوت رسانده است. ۱۹ - در جریان مبارزات ۲۵ ساله حزب عده کثیری از رفقای حزبی ما در شهر و ده، خواه از طریق دارو تیزیران، خواه در زیر شکنجه های مرگبار، خواه در اثر تیراندازی وحشیانه مأمورین مسلح رژیم به تظاهرات و اجتماعات، خواه در نتیجه ترور های غدارانه انفرادی شربت شهادت نوشیدند. عده کثیری از رفقای حزبی ما در تهران و شهرستانها بزنداد افتادند و سالیان دراز مصائب زندان و عواقب ناشی از آنرا با سربلندی و روح مقاومت قهرمانانه تحمل کردند و میکنند. عده کثیری از رفقای حزبی ما در نتیجه فعالیت سیاسی خود با انواع محرومیتها و بیکاری، فقر، گرسنگی، درگیری روبرو شدند و روبرو هستند و یا ناچار بجلاء وطن گردیدند و اینک سالیان درازی است که از دیدار مین، از فعالیت مستقیم در میان خلق و خانواده خود محرومند. حزب ما بخاطر مقدس شهیدان و نام نامی آنها افتخار میکند و بتمام اعضاء مقاوم و وفادار خویش میبالد.

در جریان این مبارزه عده ای از افراد حزبی در اثر جرخش سریع حوادث وحدت هجوم دشمن تعادل روحی خود را از دست دادند و دچار ضعفها، تزلزل ها و نوساناتی گردیدند. رفتار حزب نسبت باین افراد بستگی بعمل آنها دارد. حزب ما پیوسته برای کسانی که بخواهند در جاده اصلاح خویش گام گذارند و کماکان خدمتگذار خلق و طبقه کارگر بمانند فرصت و امکان ایجاد میکند. در جریان این مبارزه ۲۵ ساله عده ای از افراد حزب طاق دشاوارها را نیاورده براه تسلیم و ارتداد و خیانت بحزب و خلق گام گذاشتند و برخی از آنها بخادمین ارتجاع و استعمار مبدل شدند. حزب و نهضت این عناصر خائن را مطرود میسرد.

۲۰ - تردیدی نیست که تاریخ حزب ما که بطور عده تاریخ پرافتخار یک نبرد درخشان انقلابی علیه دشمنان رنگارنگ و انواع انحرافات و جریانات انحرافی است چنانکه بدیهی است از اشتباهات و کژیرونها و لغزشها و غفلتها مصون نمانده است. بویژه حزب در جریان جنبش ملی کردن صنعت نفت و حکومت ملی دکتر مصدق دچار اشتباهات جدی سکنارستی و نیز در جریان کودتای خائنه ۲۸ مرداد شاه - زاهدی دچار غفلت و عدم تحرك شد و فرصتهای گرانبایی را از دست داد. اینک چند سال است که تسلط ارتجاع هار، تسلط امپریالیسم حزب را وارد یک دوران فوق العاده دشوار حیات خویش ساخته است. بر این دشوارها پیدایش اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بسی افزوده است. بودن حزب در اختفاء، مشکلات

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

تنها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

متعدد سازمانی حزب، فعالیتهای تفرقه جویانه و انشعابگرانه در نهضت جهانی و کارگری، همه و همه حزب را با یکی از دورانیهای پیچیده و دشوار زندگیش روبرو ساخته است. ولی حزب با همه این دشواریها باور دارد که خواهد توانست با کار و کوشش منظم و خونسرد و

۲ - وضع کشور و وظایف مبرم سیاسی و سازمانی حزب ما

(۲۱) از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بدست شاه و زاهدی و با کمک و مداخله مستقیم امپریالیست های امریکا و انگلیس و سرویسهای جاسوسی آنها برای ازمیان بردن نتیجه مبارزات جنبش ملی و ساقط کردن حکومت دکتر مصدق انجام گرفت در ایران رژیم ضدملی و ضددموکراتیک حکمرانست که به « رژیم کودتا » شهرت یافته است. از آنجا که مضمون اساسی پروسه تحولی که در ایران میگردد عبارتست از بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و زوال تدریجی مناسبات فئودالی، لذا با توجه باین تحول باید گفت که حکومت کودتا در مرحله کنونی از جهت ماهیت طبقاتی خود عبارتست از اتحاد سرمایه داران بزرگ وابسته بامپریالیسم (کومپرادورها) و بطور کلی سرمایه داران بزرگ با املاکان و قشر فوقانی (الیگارشی) مؤسسات لشکری و کشوری و بر رأس آن شاه که قدرت مطلقه را در دست خود متمرکز ساخته است. وسایل عمده رژیم برای حفظ وتأمین تسلط خود عبارتست از تکیه بامپریالیسم و تبعیت از آن، توسل به ترور و اختناق و خودسری رژیم در سالیهای اخیر دست به رفورمها و عقب نشینیها، مانورها و عوامفریبی های اجتماعی زده است تا وضع را بسود خود و حامیان امپریالیستی خود تثبیت کند و تحول انقلابی کشور را تا آن حد که میتواند عقب اندازد.

(۲۲) در شرایط تسلط این رژیم وابستگی همه جانبه ایران بامپریالیسم تهدید شد. بدین معنی که امپریالیستها، بویژه امپریالیستهای امریکا و انگلیس در صنعت، کشاورزی، بازرگانی، شئون مالی و اقتصادی، سیاست داخلی و خارجی، ارتش، حیات فرهنگی و اجتماعی کشور ما نفوذی اسارت بار یافتند. تسلط کنسرسیوم بین المللی نفت و دیگر انحصارهای امپریالیستی بر صنایع نفتی ما، بودن ایران در قرارداد ستو و قرارداد دو جانبه ایران و امریکا و قبول مقررات وهن آور کاپیتولاسیون در مورد مأمورین نظامی امریکائی در ایران، اتخاذ سیاست درهای باز و دادن میدان وسیع عمل بسرمایه های انحصاری امپریالیستی نمودارهایی از این وابستگی است. در شرایط تسلط رژیم کودتا علیرغم برخی تغییرات، ایران کماکان کشور فلاحی، عقب

یگیر از این دشواری بیرون آید و باردیگر نقش درجه اول خود را در تاریخ کشور ایفا کند. شرط اساسی این کار آنست که اولاً حزب بدرستی بداند وظائفاً سیاسی و سازمانی چیست و ثانیاً با تمام قوا برای تحقق این وظائفاً اقدام کند.

مانده، کشور فقر و بیماری و جهالت عمومی باقی مانده است و بیش از پیش از کاروان تمدن واپس میماند. رژیم کودتا با تمام قوا ایران را در جاده رشد ناسالم و مضر سرمایه داری وابسته بامپریالیسم سیر میدهد. ایران کشوری است که در آن سیاست استعمار نو با تمام مختصات خود تجلی کرده است.

(۲۳) رژیم کودتا سیاست رفورم را تحت فشار عوامل داخلی و خارجی، تحت فشار وضع امروزی ایران و جهان در پیش گرفته است. از سویی تراکم تناقضات در درون جامعه، وجود مناسبات ارباب - رعیتی که رشد آتی نیروهای مولد را ترمز میکند، ناخرسندی شدید توده ها، فشار نیرومند نیروهای مترقی و در پیشاییش آنها حزب توده ایران، و از سوی دیگر تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی و نقش و تأثیر روز افزون کشورهای سوسیالیستی و ملی و جنبشهای انقلابی و رهایی بخش و نیز این امر که امپریالیستها برای دفاع از سیستم سرمایه داری جهانی، برای حفظ عرصه نفوذ و منافع تاراجگرانه خویش، برای تحقق یک سیاست نو استعماری مایل بودند و هستند که در ایران اقداماتی انجام گیرد که بتواند انقلاب را به عقب اندازد و وضع را بسود آنها و رژیم دست نشانده شان تثبیت کند. هیئت حاکمه ایران و بر رأس آن شاه را به قبول سیاست رفورم و عقب نشینی واداشته است. ما برانیم که رفورمهای انجام شده (که اصلاحات ارضی مهمترین آنهاست) بعلت سمت تاریخی آنها که در راه بسط مناسبات سرمایه دارست، بعلت هدفهای گردانندگان آنها که برای تثبیت وضع بسود هیئت حاکمه، استبدادسلطنتی و امپریالیسم است، از جهت نارسا و نیم بند و سطحی بود نشان و از این جهت که در عمل همان مواعید اولیه نیز زیر پا گذاشته میشود و نوسانات و عقب نشینی های متعددی روی میدهد، قادر نیست مسائل و معضلات و تناقضات جامعه ما را حل کند. ایران نیازمند تحول عمیقی است که تنها طبقه کارگر در اتحاد با نیروهای ملی و دموکراتیک جامعه قادر است آنرا بوجود آورد. نه نیروهای ارتجاعی و دست نشانده استعمار، حزب ما حل تضادهای ما و جامعه ایران و تأمین استقلال و آزادی و رفاه و ترقی برای اکثریت مطلق مردم کشور

را نه در رفورمهای سطحی بلکه در اجراء یک تحول انقلابی میداند که نظام اجتماعی را در میهن ما دگرگون سازد. بدون یک چنین تحول انقلابی، ایران نمیتواند به واپس ماندگی دیرینه و روز افزون خود خاتمه دهد، بسرعت صنعتی، غنی و نیرومند گردد و نقش شایسته خود را در تمدن و تاریخ ایفا نماید.

ولی در عین حال حزب ما بر آنست که چون این رفورمها خود ثمره فرعی مبارزه توده ها است و نمودار عقب نشینی ناگزیر رژیم است باید در راه تحقق و بسط آنها مبارزه کرد و هیئت حاکمه را به عقب نشینی های تازه تری وادار ساخت. این امر بمعنای تصرف موضعی برای رو آوردن بموضع تازه دیگر، بمعنای استفاده از کلیه وسائل برای بسط و تعمیق مبارزات طبقاتی در جهت هدفهای انقلابی است.

(۲۴) در سالیهای اخیر رژیم دست به بسط روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای سوسیالیستی زده است. تغییر تناسب قوا در عرصه جهانی، این واقعیت که سوسیالیسم بیش از پیش بعامل تعیین کننده در سیر تکامل بشری مبدل میگردد، این واقعیت که امپریالیسم بیش از پیش روبه ضعف میبرد و بیش از پیش تسلط خود را بر سرامور از دست میدهد و نیز این واقعیت که مردم ایران پیوسته خواستار بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی بوده اند و چنین بهبودی را هم از جهت سیاسی و هم از جهت اقتصادی مطالبه دارند نمیتوانست در سیاست رژیم اثرات خود را باقی نگذارد. رژیم علیرغم خواستها و خلعت خود، ناگزیر است این وضع را بحساب گذارد. لذا حزب ما بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی را بشایه محسوستر شدن بیش از پیش قدرت سوسیالیسم و ضعف امپریالیسم و عقب نشینی رژیم در مقابل یکی از خواستهای مهم مردم تلقی کرد و مورد حمایت قرار داد.

روشن است که رژیم خواهد کوشید تا از این کیفیت برای تثبیت وضع خود استفاده کند ولی علیرغم تمایل و تلاش رژیم این پدیده ای است بطور عینی عمیقاً در جهت منافع مردم ایران و تکامل جامعه. حزب ما بر آنست که باید بهبود نسبی روابط با کشورهای سوسیالیستی که سرانجام به تذکیر شدن پایگاه امپریالیسم و ارتجاع در کشور ما منجر خواهد شد مورد حمایت کلیه نیروهای مترقی قرار گیرد و در راه بسط بیشتر و تعمیق آن کوشش شود. ولی این امر بهیچوجه نمیتواند مانع ادامه مبارزه مردم بر ضد رژیم موجود و برای نيل به هدفهای انقلابی باشد.

(۲۵) شایان تصریح است که علیرغم برخی تغییرات و عقب نشینی های ولو جزئی و سطحی در سیاست اقتصادی و سیاست خارجی،

رژیم کودتا نه فقط در مشی ضد دموکراتیک خود کمترین تخفیفی نمیدهد بلکه روش استبداد سلطنتی و کنش شاهپرستی و کنترل پلیسی اجتماع و سرکوب هر گونه آزادی و حقوق دموکراتیک و تعقیب و فشار و آزار و شکنجه و اعدام و کشتار مردم را حفظ میکند. این روش شکاف عمیق بین مردم و رژیم را شدید کرده و از عوامل مؤثر و مهم ناخرسندی و نفرت عمیق مردم از رژیم است.

(۲۶) هدف غائی حزب ما استقرار نظام سوسیالیستی است ولی در مرحله کنونی انقلاب در کشور ما که هنوز مردم تضاد خود را با امپریالیسم و تکیه گاه اجتماعی آنها در جامعه ما و با بقایای مناسبات ارباب - رعیتی و دیگر بقایای قرون وسطائی حل نکرده اند، انقلاب کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک است.

در این انقلاب اکثریت مطلق افراد جامعه، کارگران، دهقانان، خورده بورژوازی شهرها، روشنفکران میهن پرست، بورژوازی ملی و دیگر قشرها و عناصر ملی و مترقی و دموکراتیک جامعه ذینفعند. هدف این مرحله انقلاب استقرار حکومتی است ملی و دموکراتیک، از آنجا که هم طبقه کارگر، هم بورژوازی ملی و هم خورده بورژوازی در این انقلاب شریک و ذینفعند، هر یک میکوشند آنرا تحت شعارهای خود تحقق بخشند و در مسیر مورد تمایل خود بیاکنند و سرکردگی خود را در این انقلاب بر دیگر نیروهای انقلابی تأمین نمایند. لذا در این انقلاب مسئله سرکردگی، این مسئله که انقلاب با چه هدف نهائی و چه گرایش تاریخی انجام میگردد، یک مسئله حاد و مرکزی است. حزب ما بشایه حزب طراز نوین طبقه کارگر و طبقه و رسالت تاریخی خود میداند که در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در این انقلاب با تمام قوا بکوشد یعنی قشرهای زحمتکش شهر و ده، خورده بورژوازی و روشنفکران و دیگر عناصر ملی و دموکراتیک را بدنبال رهبری سیاسی و علی طبقه کارگر سوق دهد. ولی روشن است که مسئله تأمین سرکردگی تنها به اراده حزب طبقه کارگر موقوف نیست، بلکه به تجربه توده ها و عوامل مساعد دیگر نیز منوط است.

در صورت تأمین سرکردگی طبقه کارگر دولتی که از این مرحله انقلاب ناشی میشود بر حسب ماهیت خود دیکتاتوری پرولتاریاست و از جهت شکل خود جمهوری دموکراتیک بوده ای. این دولت قادر است با اتحاد با کلیه نیروهای دموکراتیک انقلاب را تا مرحله بعدی آن یعنی تا مرحله سوسیالیستی اوج دهد. در صورتیکه بعلى و علیرغم مساعی حزب طبقه

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

تازه‌ها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

کارگر سرکردگی این طبقه در انقلاب دموکراتیک و ملی تأمین نکرد دولتی که از این مرحله ناشی میشود در بهترین حالات خود از جهت ماهیت ائتلاف کلبه نیروهای ملی و دموکراتیک و از جهت شکل یک دولت دموکراسی ملی است.

تردیدی نیست که درجه دموکراسی و شکل این دولت عوامل مختلف مانند درجه نفوذ طبقه کارگر در انقلاب، پیگیری نیروهای ملی و دموکراتیک، نقش خورده بوروازی در انقلاب، شرایط داخلی و خارجی و غیره و غیره بستگی دارد.

حزب توده ایران در عین کوشش برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب همکاری خود را با دیگر نیروهای ملی و دموکراتیک باین شرط مشروط نمیزد. حزب ما بر آنست که اکنون کلبه نیروهای ملی و دموکراتیک نتوانند در گرد شعار استقرار یک حکومت ائتلافی ملی و دموکراتیک که بتواند همه نیروهای مترقی و تحول طلب جامعه را تحت رهبری یک جبهه واحد برای اجراء وظایف عمده انقلاب متحد سازد گرد آیند.

۲۷ - دولت دموکراتیک و ملی برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، اجراء قانون ملی کردن نفت، کوتاه کردن دست سرمایه غارتگر امپریالیستی و عمال کمپرادور آن از صنایع کشور، اتخاذ سیاست بیطرفی، تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک و الغاء کامل مناسبات اربابی - رعیتی و اجراء اصلاحات ارضی رادیکال، بسط و تقویت بخش دولتی و تأمین کنترل دموکراتیک این بخش، اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری، صنعتی کردن کشور، ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان و تأمین و ترقی همه جانبه و تأمین حقوق حقه خلقها و اقلیتهای ملی در چارچوب مبنی واحد مبارزه خواهد کرد.

مبنی ما کشوری است از لحاظ طبیعی بسیار غنی، دارای امکانات شگرف رشد، دارای گذشته پرافتخار و الهام بخش، دارای مردمی پر استعداد و تشنه ترقی، اگر در ایران یک حکومت ملی و دموکراتیک استقرار یابد و بدرستی منابع انسانی و طبیعی را تجهیز کند و جامعه را با اسلوب علمی و در جهت ترقی رهبری نماید، ایران قادر است طی چند دهه بعقب ماندگی مزمن خود خاتمه دهد.

۲۸ - وسایل اساسی نیل به پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک عبارتست از تحکیم سازمان حزب در کشور، تحکیم وحدت سازمانی و ایدئولوژیک صفوف حزب انقلابی طبقه کارگر و تأمین مشی صحیح برای آن، تأمین اتحاد طبقات و قشرهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک جامعه و در درجه اول کارگران

و دهقانان بعنوان استخوان بندی جبهه واحد نیروهای ملی و دموکراتیک، افشاء گری بی امان علیه رژیم موجود و بسیج وسیع توده های مردم علیه آن و تدارك همه جانبه برای اجراء انقلاب.

۲۹ - محتوی يك تحول انقلابی در کشور ما در مرحله کنونی عبارتست از منتهی شدن قدرت ها که از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی و وابسته با امپریالیسم بدست طبقات زحمتکش و دیگر قشرهای ملی و دموکراتیک. يك چنین تحول انقلابی نمیتواند جز از راه اعمال قدرت مردم علیه ارتجاع، جز از طریق تحمیل انقلابی انجام گیرد. این تحول انقلابی که در هر حال تحمیل اراده مردم علیه دشمنان مردم است بر حسب شرایط میتواند بصورت مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز (قیام مسلحانه و جنگهای انقلابی و غیره) انجام پذیرد. تردیدی نیست که مردم ایران و حزب ما خواستار حل مسالمت آمیز تضادهای جامعه و تحقق مسالمت آمیز انقلابند، ولی هشت حا که ایران با اتخاذ سیاست خشن ترور و اختناق و محو کامل آزادیهای دموکراتیک و عدم تحمل کمترین اپوزیسیون علیه رژیم و وا کش خشن و خونین در مقابل هر گونه مخالفت، خود بدست خود امکان تحول مسالمت آمیز را از میان برده است. برای آنکه انقلاب ایران روی دهد تنها عامل ذهنی - وجود حزب طبقه کارگر و دیگر سازمان های انقلابی و اتحاد نیروهای انقلابی کافی نیست، بلکه نضج شرایط عینی انقلاب و پیدایش وضع انقلابی در جامعه ضرور است. حزب ما مبارزه، افشاء گری و سیاست صحیح استفاده از تضادها میتواند پیدایش وضع انقلابی را در جامعه تسریع کند و به نضج شرایط آن کمک نماید. وظیفه حزب تدارك فعال انقلاب است.

۳۰ - شرط عمده و اساسی کامیابی حزب در مبارزه مقدس خود آنست که وی بتواند سازمان خود را بر پایه اصول لنینی در کشور تحکیم کند، تعیین و تصریح مشی درست سازمانی حزب در شرایط ترور و اختناق برای روشن کردن وظایف مشخص حزب در این زمینه دارای اهمیت فراوانی است. اصول عمده رهنما در مورد یک سیاست صحیح سازمانی در شرایط کنونی عبارتست از مراعات عدم تمرکز سازمانی در کشور در عین حفظ رهبری متمرکز، تلفیق کار خارج و داخل کشور، تلفیق کار مخفی و علنی، ترجیح کیفیت بر کمیت. مسئله تحکیم سازمان حزبی متحد و منضبط در درون کشور مسئله است دشوار که تنها در صورت احتراز از کار عجولانه، در صورت انتخاب صحیح افراد متناسب و مراعات کامل حرکت گام به گام ممکن است. بدون وجود حزب لایق و محکم

استفاده از شرایط عینی کشور برای بسط و پیروزی جنبش انقلابی ممکن نیست. بهمین جهت مسئله حزب و تحکیم سازمان حزبی در کشور کماکان حادث ترین و مرکزی ترین مسئله است و بدون حل این مسئله، حل مسائل دیگر ممکن نیست.

۳۱ - حزب علاوه بر مبارزه برای نيل بهدفعای عمده انقلاب برای يك سلسله هدفهای تاکتیکی و يك سلسله شعارهای مبرم که میتواند مبارزه اش را در جهت استراتژیک تسهیل نماید، مبارزه میکند. در شرایط کنونی مبارزه در راه تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک عمده ترین محتوی مبارزات حزب ما را تشکیل میدهد. شعارهای مبرم حزب ما در شرایط کنونی عبارتند از: مبارزه در راه علنی شدن کلبه احزاب ملی و دموکراتیک، مبارزه برای عفو عمومی زندانیان و تبعیدیان سیاسی، تأمین امکان بازگشت کلبه پناهندگان سیاسی از خارج ایران، مبارزه علیه ارجاع امور سیاسی بدادگاه غیر صالح نظامی، مبارزه برای بسط فعالیتها و آزادیهای سندیکائی، مبارزه برای اجرای دیگر قوانین اصلاحی و رفورمها، مبارزه برای خروج ایران از پیمان ستو و قرار داد دوجانبه و الغاء قانون ننگین کایتولاسیون و اتخاذ سیاست بیطرفی، مبارزه برای بسط روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی و ملی، مبارزه برای تأمین حقوق ایران در صنایع نفت و اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، مبارزه برای دفاع و بسط بخش دولتی، مبارزه در راه حقوق حقه اجتماعی و مدنی و فردی زنان، مبارزه برای تأمین هبستگی ایران و جنبشهای ملی و مترقی و از آنجمله جنبش مترقی ملی کشورهای عربی، مبارزه در راه تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و تأمین حقوق فرهنگی خلقها در ایران.

حزب ما از کلبه اختلافات درونی هشت حا که همراز اختلافات هشت حا که با این یا آن امپریالیسم، از کلبه امکانات مشخص مبارزه برای تجهیز مردم، افشاء ارتجاع و استعمار، بعقب نشینی وادار کردن رژیم، مساعد تر کردن زمینه رشد انقلاب استفاده میکند.

حزب کلبه مساعی و مجاهداتی را که از طرف گروههای مترقی و دیگر نیروهای ضد رژیم انجام میگیرد و بجزر و صلاح عمومی است مورد حمایت معنوی و علی قرار میدهد تا بدین ترتیب بر امکانات تحول جامعه بیافزاید و از کلبه این امکانات استفاده کند.

۳۲ - در تحلیل دوران ما و تعیین مشی استراتژیک و تاکتیکی جنبش انقلابی جهان حزب بر آنست که دوران ما دوران انتقال جامعه بشری از سرمایه داری بسوسیالیسم، دوران مبارزه این دو سیستم اجتماعی متضاد، دوران انقلابهای اجتماعی و ملی علیه سرمایه

داری و امپریالیسم، دوران فرو ریختن امپریالیسم و برافکندن سیستم مستعمراتی، دوران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در سراسر جهان، دوران رشد پر توان تحرك توده های مردم، دوران انقلاب عظیم علم و فن است و از این جهت دوران ما در تاریخ بشریت از آغاز تا امروز اهمیت ویژه دارد. وظیفه نیروهای مترقی و بر راس آنها احزاب انقلابی مارکسیست - لنینیست عبارتست از تسریع آگاهانه پیرویه تحول انقلابی جهان با توسل بانواع اشکال و شیوه های مبارزه. حزب مبارزه با امپریالیسم و بر راس آن امپریالیسم متجاوز امریکا که نقش ژاندارم جهانی را ایفاء میکند و پشتیبانی بیدریغ و همه جانبه از نهضت های انقلابی و رهایی بخش و مترقی و نبرد با کلبه نیروهای ارتجاعی را وظیفه اصلی و مقدس خود میبرد. ما بر آنیم که تسریع پیرویه انقلابی متناقض با مبارزه بشریت در راه حفظ صلح جهانی و علیه جنگ هسته ای - موشکی نیست و نیز بر عکس مبارزه ضرور در راه حفظ صلح جهانی منافاتی با مبارزه انقلابی ندارد. بهمین جهت حزب اصل همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اجتماعی و اقتصادی، اصل حل مسائل متنازع بین المللی از طریق مذاکره را در شرایط کنونی تکامل جامعه بشری کاملاً درست میدانند. همزیستی مسالمت آمیز بمعنای همزیستی بهره کشان و بهره دهان، ستمگران و ستمکشان، همزیستی اندیشه های انقلابی و ضد انقلابی، بمعنای حفظ وضع موجود، بمعنای احتراز از انقلاب، بمعنای پاسبان ماندن در مقابل وظایف انقلابی نیست و نمیتواند باشد. همزیستی مسالمت آمیز شکلی است از مبارزه طبقاتی در صحنه جهانی. همزیستی مسالمت آمیز فقط شاخص روابط بین کشورهای دارای سیستمهای اجتماعی و اقتصادی مختلف است. شاخص روابط مابین دولتهای سوسیالیستی، وحدت و هبستگی و تعاون برادرانه بر پایه انترناسیونالیسم پرولتاری است، شاخص روابط مابین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ملی تعاون متقابل در مبارزه علیه دشمن مشترک امپریالیسم است.

بر این اساس حزب روشهای ماجراجویانه و «ماوراء انقلابی» رهبران حزب کمونیست چین را در استراتژی و تاکتیک جهانی و روش تفرقه افکنانه و انشعابگرانه آنها را در این نهضت محکوم میکند و وفاداری خود را بیکار دیگر به تصویبات جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ اعلام میدارد و برخورد های دو جانبه و چند جانبه و تشکیل جلسات مشورتی احزاب برادر را بهترین راه تعیین مشی استراتژیک و تاکتیک جنبش انقلابی و حل اختلافات میبرد.

تازه ها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی

حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

۳- درودها و رهنمودها

۳۲- درود پر شور بهمه اعضاء حزب توده ایران که در داخل و خارج از کشور در راه آرمانهای حزب مبارزه میکنند. رفقای حزبی! جشن بیست و پنجمین سال حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را با سربلندی بر گزار کنید. بسوابق و دستاوردهای درخشان حزب خود افتخار کنید. عضویت در حزب توده ایران را بهترین ثمره زندگی خود بشمرید. ستهای انقلابی حزب توده ایران را حفظ کنید و در هر مورد از آن الهام بگیرید. تاریخ مبارزات غنی و سرشار حزب توده ایران را عمیقاً بیاموزید. در هر جا که هستید و با هر وسیله‌ای که دارید با امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا، یارزیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی مبارزه کنید. جنایات و خائنهاستاد سلطنتی و عمال آنرا بر ملا سازید.

۳۴- رفقای حزبی! بکوشید تا جهانی مارکسیسم - لنینیسم را هر چه زودتر فرا گیرید. از اصول این جهان بینی علمی و انقلابی در برابر انحراف چپ و راست، در برابر انحراف رفرمیستی و آواتوریستی و ریزویونیسم چپ و راست دفاع کنید. مین پرستی را با انتراسیونالیسم پرولتری در آمیزید. موازین حزبی را مراعات کنید زیرا بدون آن حزب قدرت یکبار جوئی خود را از دست میدهد. وحدت و انضباط حزب خود را تقویت کنید. هشیار باشید در دام فریب دشمنان حزب نیافتید. اسرار حزب را نگاه دارید. از کنجکاوی زبان آور که با مرسیت و امنیت حزبی زبان برساند پرهیزید. همبستگی حزبی را جانشین اختلافهای کوتاه نظرانه کنید. با تفرقه افکنان در درون حزب و نهضت مبارزه ننمائید. با جریان اشعاعی تازه در چهار چوب اصول مبارزه کنید.

۳۵- رفقای حزبی! از کلیه امکانات فعالیت قانونی و علمی استفاده کنید. در سازمان های توده‌ای موجود و لورهری آن در دست عناصر ارتجاعی باشد بر حسب حرفه و صنف و امکان خود شرکت ورزید و بکوشید تا هم صفات خود را هر چه بیشتر وارد این سازمانها سازید و این سازمان ها را هر چه بیشتر بحربه مبارزه در راه خواستهای حقه صنف خود مبدل کنید. در هر کجا که سازمان های حرفه‌ای و صنفی نیست از کلیه وسائل قانونی برای ایجاد آنها استفاده کنید. در فعالیتهای سیاسی توده‌ای و حرفه‌ای همیشه بنقاط نظر مشترک تکیه کنید و از آنچه که موجب تفرقه و نفاق است بسود منافع اصولی عمده تر پرهیزید. در کلیه مبارزات سیاسی و اقتصادی مردم بنا بر موافقت و مقام خود شرکت ورزید و بکوشید تا این مبارزات علیه امپریالیسم و رژیم ضد ملی ضد دموکراتیک

کنید و عمل آنها را عقیم گذارید. اتحاد نیروها شرط اساسی احراز موفقیت در مبارزه علیه رژیم کودتاست. دست اتحادی را که حزب ما بسوی شما دراز کرده است بشمارید.

فرخنده باد جشن بیست و پنجمین سال حزب توده ایران!
موفق باد اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک!
موفق باد مبارزه بیگیر مردم ایران علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و استبداد سلطنتی!
موفق باد اتحاد نیروهای انقلابی و کمونیستی سراسر جهان!
پیروز باد اندیشه تاناک مارکسیسم-لنینیسم، اندیشه رهنمای حزب ما!

بقیه از صفحه ۱

ماهنامه مردم در جشن روزنامه

«اومانیه» شرکت کرد

سال این شاهکار های هنری پیشنده اروپایی را تحت تأثیر قرار میداد. پرچم سه رنگ ایران و آرم کلاه و چند منظره از بنا های باستانی ایران، منظره زیبایی به غرض «ماهنامه مردم» داده بود. کارت پستالهای کلاه دفاع رفیق شهید روزبه بزبان فرانسه و یادداشتی مختصر اومانیه، مدام رفته رفته در باره ایران تا آخرین نسخه بفروش رفت. ۲۵۰۰ نفر زبیراوقات همدردی با زندانیان سیاسی ایران را امضاء کردند.

هموطن عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران «ماهنامه مردم» مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

خوانندگان عزیز توجه

بنا به پیشنهاد و درخواست عده زیادی از شنوندگان گرامی رادیو پیک ایران، در ساعات پخش رادیو بشرح زیر تغییر داده شده است؛
رادیو پیک ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۱۶ - ۳۱ متر برنامہ پخش میکند. در ساعت ۶ بعد از ظهر بین اعلام برنامه بزبان فارسی، گفتار بزبان کردی آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میدهد. از ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۷ برنامه بزبان آذربایجانی و از ساعت ۷ تا ۷ و ۵۰ دقیقه برنامه فارسی پخش میگردد. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه مجدداً تکرار میگردد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه میدهد. از خوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات و امواج رادیو پیک ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.

در باره

حوادث اخیر چین

جهانی کمونیستی و کارگری به آیت با تأسف و تأثر فراوان مینگردد. تظاهرات ضد شوروی در پکن نه فقط در کادر روابط دو کشور سوسیالیستی بلکه حتی در کادر مراعات عادی ترین موازین نواکتهای دیپلماتیک مفهوم نیست.

رهبری حزب کمونیست چین کمکهای مادی بی شائبه اتحاد شوروی به ویت نام، قهرمان را تخطئه میکند و پاک ندارد حتی در برابر ملیون ها چینی و ویت نامی که هر روز شاهد و ناظر اند آنرا انکار کند و از ارزش آن بکاهد.

سراسر اطلاعاتی پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین آکنده از سیاست تفرقه طلبانه و انشعابگرانه است که از چند سال پیش رهبری حزب کمونیست چین مصراانه دنبال میکند.

پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در اطلاعاتی خود یکبار دیگر هر گونه وحدت ملی را با اتحاد جماهیر شوروی نیرومند ترین قدرت اردوگاه سوسیالیستی در مبارزه بسود مردم ویت نام و علیه امپریالیسم مهاجم امریکا رد میکند.

باین ترتیب رهبری حزب کمونیست چین در پلنوم یازدهم خود در جهت وحدت و پندگیری از حوادث ناگوار سالهای اخیر گام برنمیدارد. بعکس در روش سکتاریستی و انشعابگرانه خود بیشتر فرو رفته و با آیت بیش از پیش از حیثیت و اعتبار خود در خانواده بزرگ کمونیستی و کارگری میکاهد.

انفراد رهبری حزب کمونیست چین و ناکامی های که شیوه ماجراجویانه رهبری مزبور در داخل و خارج کشور بیار آورده است عدم رضایت عده کثیری از مسئولین و فعالین را در درون حزب کمونیست چین برانگیخته است. در مطبوعات حزب سربعا نوشته شده است که در سالهای اخیر چند موج ایو-زیون در داخل حزب برخاسته که آخرین آنها از همه خشمگین تر و پرخاشجو تر بوده است.

در دنبال ابراز این عدم رضایت ها و انتقاد ها است که رهبری حزب کمونیست چین با اقدامات دامنه داری بمنظور تصفیه دستگاههای دولتی و سازمان های حزبی از افراد مخالف دست میزند و بتدریج دامنه این اقدامات بانقلاب باصطلاح فرهنگی پروولتاریاتی گشوده شده است. در قطبانه شانزده ماده ای که یازدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره «انقلاب بزرگ فرهنگی پروولتاریاتی» تصویب نموده است از تصفیه در زمینه های ایدئولوژیک، سازمانی، سیاسی و اقتصادی سخن رفته است. سازمان جوانان، «کارگر سرخ» بمنظور اجرای چنین تصفیه ای تشکیل شد و در زیر رهبری کمیته های خود به تصفیه وسیعی در سراسر چین دست زده است. تاکنون عده کثیری از افراد و کادر های حزبی از نویسندگان و استادان دانشگاه و هنرمندان و کارگران و کارمندان مشمول چنین تصفیه ای شده اند.

کتاب ادبی نویسندگان کلاسیک، صفحات استادان مشهور موزیک شاهکار های بزرگ هنری بعنوان آثار بورژوازی و بتایانی نفوذی بدست همین جوانان «کارگر سرخ» از بین میروند، جلی آنها را تالیفات ماو و عکسها و مجسمه های کوچک و بزرگ وی میگیرند. از خصوصیات این انقلاب باصطلاح فرهنگی لغو ابتدائی ترین اصول و مقررات دانشگاهی و اعزام عده کثیری از روشنفکران بچرم داشتن انحراف بورژوازی و ریزویونیستی برای تجدید تربیت و کار در روستا ها و معادن، تعطیل بسیاری از روزنامه ها و مجلات و مؤسسات علمی و اجتماعی و فرهنگی است. این جریان سراسر چین را در بر گرفته است.

از متن فرمانی که روز جمعه ۹ سپتامبر ۱۹۶۶ از طرف شعبه کنترل کار سرخ، صادر و چندی بعد روز در سراسر پکن با بلند گو ها تکرار شده است بخوبی روشن میشود که «کارگر سرخ» چه زحمات و سرازتهایی را برای مردم بیگناه بیار آورده است. در

بقیه در صفحه ۸

بخش نخستین این مقاله در شماره ۱۷ ماهنامه مردم انتشار یافت و اینک بخش آخر آن :

زندگی شاه و دربار پهلوی از دیدۀ مطبوعات خارجی

و اینهم نظر دیگر روزنامه ایتالیائی بنام کوریه مرکان نیله ژوئن ۱۹۶۱ :

«شاه میدانند که با آمدن يك حکومت ملی دست او از دخالت در امور کشور کوتاه خواهد شد و حکومت ملی حتی با در نظر گرفتن تمایلات قشر های وسیع مردم ممکن است بساط سلطنت را در ایران برچیند و بجای آن رژیم جمهوری در ایران برقرار سازد... در تظاهرات چند ماهه اخیر خود مردم ایران نشان دادند که مخالف رژیم شاهاند و جمهوری را بر سلطنت ترجیح میدهند.»

در سال ۱۹۶۱ پروفیسور «کن» مأمور سابق سفارت امریکا در ایران مقاله ای تحت عنوان «تصور و واقعیت در ایران» در شماره ۱۵ ایران نامه منتشره در امریکا نگاشته است. پروفیسور «کن» معتقد است که شاه ایران هیچگونه پایگاهی در بین مردم ایران ندارد و حتی یارتش نیز اعتماد نمیکند او از جمله مینویسد :

«اشکال عمده در راه سلطنت محمد رضا شاه رشد سریع کیفی و کمی طبقه سوم متوسط است که روشنفکران، بازرگانان و صاحبان مشاغل آزاد را دربر میگیرد. طبقه متوسط بیش از ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند. اما در جامعه ای که خصلت کشاورزی و روستائی دارد طبقه متوسط اکثریت مطلق کسانی را در بر میگیرد که مستقیماً در امور کشوری دخالت میکنند.

شاه برای کسب حیات سیاسی باید بلاکین و نیروهای تأمینیه تکیه کند اما حتی در این مورد هم با اشکالاتی روبروست. شاه برای اینکه صدای طبقه متوسط را که تقاضای شرکت در حکومت دارد فرو نشاند مجبور شده است تمام امور دولتی و پارلمانی و نظامی و کشوری را در دستهای خود متمرکز سازد. در مورد نیروهای تأمینیه شاه مهارت زیادی در اعمال تاکتیک قدیمی «نفاق افکن و حکومت کسن» از خود نشان داده است. برای اطمینان از همکاری ارتش، ژاندارمری و سازمان امنیت، افسران مقتدر و جاه طلبی را بر راس پستهای حساس این سازمانها گماشته است و با تشدید تضادات جاه طلبانه آنها، آنها را بیشتر تحت نظارت خود میگیرد. هر يك از این افسران مستقیماً با شاه مربوطند و شخصاً با او گزارش میدهند. سازمان امنیت شاه گشتیابی ایرانست و مورد نفرت شدید عمومی است.

شاه از مردم ایران میترسد و حتی خبرنگارانیکه چندی در ایران بسر برده اند این نظر را تأیید میکنند. روزنامه نگار امریکائی بنام هاری الیس در روزنامه «کریستین ساینس مونیتور» مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۱ مینویسد :

«من شاه را در فوریه گذشته در تهران پایتخت کشور دیدم. در يك کالسه طلا تنها نشسته بود و پس از افتتاح مجلس بکاخ باز میگشت. او در کالسه تنها بود و مردم تهران در پیادهروها اجتماع کرده بودند. اما بین مردم و شاه صف فشرده ای از سربازانی که یکی از آنها روبجمعت و دیگری روبخیابان ایستاد بوده حائل بود. در تمام خط سیر، این منظره دیده میشد روی بامهای خانه ها سربازان کاملاً مسلح از بالا بجمعت چشم دوخته بودند. روزنامه فرانسوی «فرانس دیپانش»

در شماره ۲۷ ژوئیه ۱۹۶۱ در مقاله مفصلی بقلم «میشل توریاک» از جمله تظاهرات عظیم ۳۰ تیر ۱۳۴۰ اشاره کرده و منظره ترس و وحشت فرح و شاه را چنین ترسیم میکند.

«روز ۳۰ تیر فرح دیا در کاخ ایضی محصور از پاسداران وفادار شاه و در پناه سیمهای خاردار تمام روز میلرزید زیرا در انسوی دیوارها جمعیت انبوه فریاد میزد «پیروز باد مصدق» این صدای نافذ از خلال پنجره ها رخنه میافت و رعشه بر بدن فرح میافکند. شاه در کنار فرح پهلوی نشسته بود و سازمان امنیت دمدم اخبار میدانها و خیابانها را باو می رساند. هر بار که تلفن زنگ میزد قلب فرح فرو میریخت و هر آن فکر میکرد که ممکن است مانند ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در بغداد جمعیت به قصر هجوم آورد و او و شوهرش را بقتل برساند.»

نشریه «پرس فرانسه» مورخ ۷ ژوئن ۱۹۶۳ در تفسیر خود ایران را يك بشکه باروت خوانده و متذکر میشود که هیچگونه شکی وجود ندارد که شاه ایران نه از اقتدار و محبوبیت و نه از حیثیت و آبرو در میان مردم برخوردار است. روزنامه دیگر فرانسوی «پاری پریس» ۷ ژوئن ۱۹۶۳ در مقاله ای راجع بایران مینویسد که : «کینه و نفرت از يك شخص یعنی شاه در دل همه جای گرفته است» و اضافه میکند بویژه «اگر يك روز مصدق جدیدی پیدا شود و جمهوریت را طلب کند دیگر چه کسی خواهد توانست از قصور سلطنتی دفاع نماید ؟»

در آوریل سال ۱۹۶۵ استاد امریکائی کالیفرنیا يك وضع فعلی ایران را چنین تشریح کرد و گفت :

«روحانیون، که در رأس آنها خمینی قرار دارد، موافق با طرد کامل رژیم هستند. میان ملیون لیبرال و چپ هنوز بعضی میانه روها وجود دارند که تربیت غربی دیده اند و از لحاظ سیاسی و فرهنگی متعادل به غربند و مایلند که در باره غرب و امریکا نوع دیگر قضاوت کنند، اما اغلب آنها تنها میبایست و جریان حوادث آنرا بیخاج چپ میراند.

اینگونه افراد باین نتیجه میرسند که این حکومت را سرانجام باید با توسل بزور و حتی با دست زدن بتزور و از گون ساخت احتمالا حتی ساواک (سازمان امنیت ایران) نیز نمیداند که در داخل و خارج ایران ملیون چگونه برای این هدفها آمادگی پیدا کرده اند و بیش میروند. من ادعا میکنم که باین مناسبت روزهای شاه بسر آمده و شمرده شده، زیرا شانس نیز اغلب باو کمک کرده است. اما میتوان بدروستی گفت که سالیهای او شمرده شده است. يك عصیان یا يك تصادم برای واژگون کردن این حکومت اجتناب ناپذیر است و یا حادثه ای خارجی و یا گلوله ای که بپسر از در مورد منصور هدف گیری شده باشد باین رژیم پایان خواهد داد. با تشدید مخالفت های داخلی چنین هم خواهد شد.»

هاری الیس روزنامه نگار امریکائی که در سال ۱۹۶۱ شاه در تهران در دفتر کارش ملاقات کرده بود در شماره ۱۴ اکتبر روزنامه «کریستین ساینس مونیتور» مینویسد : «شاه گفت: «وقتی من از این قصر بیرون میروم هیچ نیدانم زنده باز خواهم گشت یا نه؟»

۹ دسامبر سال ۱۹۶۵ شاه در مصاحبه ای با مفسر مشهور روزنامه لوموند اریک رولو آنچه را چهار سال پیش به هاری الیس گفته بود تکرار کرد و اظهار داشت :

«من دیگر امروز نمیتوانم حتی يك قدم بردارم، بدون اینکه تدابیر متعدد تأمینی اتخاذ شود این غیر قابل تحمل است.»

روزنامه فرانسوی «فرانس دیپانش» مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۶۱ برده از روی یکی از اسرار دربار ایران برداشت و نوشت : «سالیهاست که يك هواپیما همیشه در قصر در حال آماده باش است. شاه نه تنها هواپیمای حاضر برای فرار آماده دارد بلکه محلی را که باید بدانجا فرار کند سالیها پیش حاضر و آماده نموده است.»

اپونیک استاندارد در شماره ۱۵ مه ۱۹۶۱ خود مینویسد :

«در حال حاضر شاه يك دستگاه آبارتمان دائمی در هتل اکسلسورم دارد اما اگر او باریگر بسافرت برود اوضاع واحوال برای غرب به چوچه مطبوع نخواهد بود.»

یکسال بعد روزنامه «فرانس دیپانش» ژوئیه سال ۱۹۶۲ در این باره نوشت : طبق اطلاعات واصله محمدرضا شاه در تاجیه کوت دازور ملک بزرگی با ویلای مجلل خریداری کرده و قصد دارد در صورتیکه جنبش مردم برای وی جنبه خطرناک بگیرد از ایران فرار کند و بآنجا پناهنده شود.»

و بالاخره نیویورک هرا لترینیون در شماره ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۵ مینویسد :

«محمدرضا شاه و ملکه فرح در کوستادل سول واقع در اسپانیا نزدیک اندالوزیا و لائی خریداری نمودند.»

۱۴ مهر ماه سال ۱۳۴۱ شاه در اجتماع افسران لشکر دو در باشگاه تبریز گفت : «مثالهایی است معروف شاید فقط در زبان ما نباشد در زبانهای دیگری هم هست که میگوید شرط عقل اینست که در مقابل

بقیه از صفحه ۱

درد بر خلق قهرمان ویتنام

میبایست نمود تا ببینیم بایان یافتن این کانون جدید جنگ، این جنگی که بفرمانگران امپریالیستی مردم استقلال طلب و آزادیخواه ویتنام تحمیل کرده اند و روز بروز دامنه آنرا وسیعتر میکنند، ببعلاقه بمانند. بیکانه راه استقرار صلح و پایان یافتن جنگ ویتنام قبول و اجراء موادیت که از طرف نیروهای آزادیبخش ملی و دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام اعلام گردیده است. این مواد در واقع جز بیان خواست های مردم ویتنام در باره ترك تجاوز امریکا و خروج نیرو های آن از کشور مزبور، رعایت و اجراء مقررات موافقتنامه سال ۱۹۵۴ ژنو و پایان دادن بمداخلات غیر قانونی امریکا در امور داخلی ویتنام چیز دیگری نیست.

ولی امپریالیسم امریکا که در نتیجه یابرداری دلیرانه مردم ویتنام و کمکهای مادی و معنوی اتحاد شوروی و سایر دولتهای سوسیالیستی و دیگر کشور های ضد امپریالیست و صلح طلب جهان از هم اکنون با شکست مواجه گردیده است میکوشد تا بلکه با کشتار های دسته جمعی مردم بیگناه و انهدام کور کورانه این کشور و با توسعه دادن دامنه جنگ شکست مفتوحه خود را جبران نماید.

از سوی دیگر مردم صلحدوست و ترقیخواه جهان، سازمانها و احزاب دموکراتیک در کشور های دیگر که از خطر توسعه این کانون جنگ آکنه دارند و اهمیت پایان یافتن این جنگ رسوای امپریالیستی را برای تحکیم استقلال و آزادی کشور های دیگر بخوبی درک میکنند، میکوشند تا با نمایشها و تظاهرات دامنه دار، با ابزار همبستگی نسبت بخلق ویتنام، با انواع کمکهای مادی و معنوی چنان فشار معنوی اعمال کنند که امپریالیسم امریکا در برابر افکار عمومی جهان وادار بترك تجاوز گردد و باین جنگ رسوا خاتمه دهد.

مردم ایران نیز باید در این جهادی که بمقتور حفظ صاحب جهانی در گرفته است شرکت جویند و بوجه شایسته ای وظیفه خویش را در پیروز ساختن آن ایفا نمایند. باید صدای اعتراض مردم آزاده ایران نیز بامواج عظیم اعتراضات مردم صلحجو، استقلال طلب و آزادیخواه جهان پیوندد، باید متحد این آتشی را که بجان ملت و کشور کوچک افتاده است و شراره آن ممکن است دامن کشور های دیگر و از جمله میهن عزیز ما را نیز بگیرد، خلوش ساخت.

بقیه در صفحه ۸

مخاطرات و شاید انسان سرش را خم کند بگذارد آن طوفان بگذرد بعد دومرتبه قندلم کند.»

این باصطلاح مثل معروف چکیده تاکتیک سیاسی شاه در سالیهای اخیر بوده و هست. در حال حاضر محمدرضا شاه دومرتبه قد علم کرده و هر روز حکم اعدام است که امضاء میکند و محاکمات نظامی است که راه میاندازد ولی با وجود این شاه در فکر روز فرار از ایران هم هست و یلاهایی در نقاط مختلف خریداری میکند تا موافق با شرایط زمان و مکان بتواند باین و یا آن کشور پناهنده گردد. ولی آیا او خواهد توانست نقشه خود را عملی سازد؟

روزنامه فرانسوی «فرانس دیپانش» مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۱ در پاسخ این سؤال چنین نگاشته است :

«... حوادث تاریخی بخصوص در دوران معاصر نشان داده است که چنین زمامدارانی تابحال کمتر موفق بفرار از خشم ملت خود شده اند.»

بقیه از صفحه ۷

درد بر خلق قهرمان ویت نام

اتخاذ نمایند. باید از سازمانهای سیاسی و اجتماعی موجود و از جمله حزب دولتی «ایران نوین» که نخست وزیر بر رأس آنست و اکثریت نمایندگن مجلس «صوت آت» بشمار میروند صریحا خواست که نظر خود را درباره جنگ ویتنام و کوشش برای خاتمه دادن بان اعلام دارند. باید از مطبوعات ایران خواست که هر چه بیشتر صدای اعتراض مردم ایران را نسبت به بمباران وحشتناک مردم ویتنام، «بیمارستانها» شیرخوارگاه ها و کودکان آنها منعکس سازند.

باید با ارسال نامه و تلگرافهای اعتراض بسفارت و کنسولگریهای آمریکا در ایران، بشورای ملل متحد سازمان ها و مراجع بین المللی، بانجمنهای مختلف فرهنگی و اطلاعاتی امریکائیان در ایران مراتب انزجار و نفرت عمیق مردم ایران نسبت باین جنگ رسوا اعلام و خواست متروغ مردم میهن ما در مورد پایان بخشیدن باین جنگ روشن گردد.

آکنون که مناسبت دوازدهمین سالگرد موافقت نامه های ژنو کارزار وسیعی بمنظور خاتمه دادن به جنگ ویتنام بر پاست و هزاران نفر از دانشمندان، سیاستمداران نویسندگان و سایر افراد روشنفکر و ترقیخواه بالامضاء ذیل دعوتنامه شورای جهانی صلح در این جهاد مقدس برای خاموش ساختن ناله جنگ ویتنام شرکت میکنند. جا دارد که دانشمندان، سیاستمداران و روشنفکران ایرانی نیز از همکاران خویش عقب نمانند و بهر وسیله ای که مقتضی میدانند سهم خود را در این مورد ادا نمایند. ایرانیان خارج از کشور که امکانات بیشتری دارند میتوانند با شرکت در تمام تظاهرات و اقداماتی که در محل اقامت آنها بنفع مردم ویتنام صورت میگیرد و با ابتکارات سودمند دیگری در جهت تجویز ایرانیان اقامتگاه خویش این وظیفه انسانی بین المللی و ملی خویش را انجام دهند.

هموطنان ما میتوانند امر جمع آوری کمک مادی به ویتنام را در محیط کار و فعالیت خویش سازمان دهند و از شیروخورشید سرخ، صلیب سرخ بین المللی و یا هر سازمان اجتماعی و مرجع مورد اعتماد خود بخواهند که این کمکها را بمردم ویتنام برسانند. نباید چنین انگشت که گویا ارسال نامه و تلگراف اعتراض و ارسال پیام بمردم ویتنام با اقدامات دیگری از این قبیل مؤثر نیست و کمکی بمبارزه عادلانه خلق ویتنام نمیکند. بعکس این نوع اقدامات نه تنها شرکت مردم ایران در اعمال فحشاری است که از جانب افکار عمومی جهان نسبت به امپریالیستهای امریکائی وارد نمیکند بلکه در عین حال تأثیر بسزائی در روحیه جنگاوران ویتنامی که همواره برای این قبیل همدردی ملتها ارزش فراوانی قائلند خواهد داشت.

هموطنان عزیز! خواهران و برادران ایرانی! بهر وسیله ای که میتواند در جنبش اعتراض علیه جنایات امپریالیست ویتنام، در پشتیبانی از مبارزه خلق دلاور ویتنام، در پیوستن به خواست مشروع همه مردم آزاده جهان برای پایان بخشیدن به جنگ رسوائی امپریالیستی در ویتنام شرکت جوئید. بمردم آزاده، دایر و بایدار ویتنام که از خانه و کاشانه خود، از استقلال و آزادی خود، از کودکان خردسال، از مزروع، کارخانه و دستاوردهای ملی خویش دفاع میکنند یاری نمایند.

دفاع از مبارزه عادلانه مردم ویتنام هم در مقیاس بین المللی و هم از نظر داخلی بمنزله مبارزه علیه امپریالیسم و ییکار در راه استقلال و آزادی کشور ماست. زیرا آزادی و استقلال ملتها از یکدیگر جدا نیست و بقادران امپریالیستی دشمن مشترک استقلال و آزادی همه کشورها و خلقها هستند.

پیروز بامبارزه خلق قهرمان ویتنام
بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران
۳۱ مرداد ماه ۱۳۴۵
(۲۲ اوت ۱۹۶۶)

و ارتجاع خاتمه بخشد و پیرویه عظیم انقلابی جهانی را تسریع و به سرزمین مقصود هدایت نماید. حزب ما دوشا دوش همه احزاب کمونیستی و کارگری از هیچ کوششی برای احیاء وحدت اصولی برپایه مارکسیسم-لنینیسم خلاق و اسناد مقصوبه جلالت مشاوره ساهی ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ دریغ نکرده و نخواهد نمود.

اگر چه شرایط غیر دموکراتیک کشور مامان از آنست که مردم آزادخواه، صلح طلب و میهن پرست ایران با تظاهرات پر دامنه خویش آنطور که شایسته ستهای عالی مردم میهن ماست احساسات همدردی برادرانه خود را نسبت بخلق قهرمان ویتنام ابراز دارند و انزجار و نفرت عمیق خویش را نسبت باین جنگ رسوا و غیر انسانی اعلام نمایند ولی بااین وجود نباید همه راهها را بسته تلقی نمود و باستانداین دشواریها از عمل باز ایستاد.

در حالیکه دولت ایران خود از اعضاء سازمان ملل متحد است و زمامدارانش ادعا میکنند که هوادار حفظ صلح و امنیت جهانی و طرفدار رعایت اصول و مقررات بین المللی هستند، در حالیکه در خود ایالات متحده آمریکا صدای اعتراض مردم روز بروز بلندتر و محسوستر میگردد، مقامات دولتی ایران مطلقا و قانونا نمیتوانند تحت هیچ بهانه ای مانع از بروز احساسات مردم و اعلام خواست مشروع آنها در مورد پایان دادن به جنگ ویتنام و رعایت اصول و مقررات موافقت نامه های ژنو گردد. بنابر این مردم ایران سازمانهای مختلفه سیاسی، مادی و اجتماعی میتوانند با اطمینان بدرستی و حقانیت و همچنین قانونی بودن عمل خویش در این کارزار جهانی بفاطر حفظ صلح و خاموش ساختن ناله جنگ شرکت نمایند.

باید از دولت ایران خواست که موضوع صریح خود را در مورد جنگ ویتنام اعلام نمایند و برای خاتمه دادن باین جنگ با کلیه دولتهای صلح طلب فعالانه تشریک مساعی نمایند. باید با ارسال نامه ها و تلگراف های اعتراض، مراجع دولتی، بمجلس شورا و سنا و بمطبوعات ایران دولت را وادار ساخت که از سیاست دروئی دست بکشند و این مورد موضوع آشکار و صریح

در باره حوادث اخیر چین

حوادث از تفرقه و تشیی که درجهان سوسیالیسم و در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بوجود آمده است حد اکثر استفاده را می نمایند. ریچارد نیکسون معاون سابق رئیس جمهوری آمریکا و یکی از سخنگویان مهم محافل ارتجاعی امپریالیستی ایالات متحده در شماره ژانویه ۱۹۶۶ مجله «امریکائی» «ریپرتز دابجست» تصریح کرد که اختلاف بین چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی «فرست ملانی» برای بسط فعالیت امپریالیستی بوجود آورده است. وی در این مقاله چنین نوشت: «امروز چین کمونیست و روسیه متحد نیستند... کسانیکه نظرشان اینست که باید فعلا عقب نشینی کرد و منتظر موقعیت بهتری شد وضع فعلی را که فرصت ملانی برای استفاده از موقعیت میباشد بعقل بینی که دارند در نظر نمیگیرند. امروز دشمن متعصب و متشنج است و هیچ زمانی بهتر از حالا فرصت مناسب بدست نخواهد آمد که دنیای آزاد بتواند کمونیستهای مجاور را سر جای خودشان بنشاند، روزنامه «نیویورک تایمز» در مقاله اساسی ۶ سپتامبر ۱۹۶۶ خود نوشت که یکی از عواملی که شانس موفقیت جنگ رهائی بخش را کم میکند عبارت است از «اختلاف عظیم در جنبش کمونیستی جهانی.

این جریان در بسیاری کشورها نیروهای طرفدار چین و هوادار شوروی را با یکدیگر دست به یخ کرده است... آن انرژی که این گروه ها علیه هم مصرف میکنند، نمیتواند علیه ایالات متحده مصرف شود، تصور میروند از این رسا تر نمیتوان عواقب شوم اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی را از زبان دشمنان انقلاب شنید. تشدید تهاجم امپریالیسم و ارتجاع در آسیا، افریقا و امریکای لاتین از مظاهر سوء این تفرقه و تشیی است. تاریخ مسئولیت انرا بحساب کسانی ثبت خواهد نمود که با عملیات انشمارگراانه خود این تفرقه و تشیی را بوجود آورده اند و به آن دامن میزنند و از این راه آب باسیاب دشمنان طبقاتی، امپریالیستها و ارتجاعیون میزنند. وحدت و یکپارچگی اردوگاه سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری آن تنها نیروی لایزال است که میتواند به تهاجم امپریالیسم

«شعله جنوب» چه می نویسد

روزنامه اطلاع میدهد که «دکتر اقبال بازار کی دستور داده است از حقوق کارگران شرکت ملی نفت و شرکتهای عامل ۲۰۰۰ ریال و از کارمندان ۲۰۰ ریال برای کمک بتأسیس دانشگاه صنعتی آریا مهر کسر نمایند. «شعله جنوب» شرح میدهد که چگونه کارگران کارگاه مرکزی آبادان برای کمک ییکی از برادران کارگر خود که ماشین تراش مجروحش کرده بود و بهداری شرکت از معالجه او خودداری مینمود دست از کار میکشند، تهدید و فشار سازمان امنیت را بی اثر میسازند و حق کارگر مجروح را میسازند.

این اخبار نشان میدهد که چگونه در همین شرایط ترور و اختناق کارگران میتوانند با اتحاد و مبارزه موفقیتانی بدست آورند. اینها پیروزیهای کوچکی است ولی نشان میدهد که با اتحاد و یگانگی میتوان بارزوها و خواستههای بزرگتری نائل آمد.

این اخبار، تبادل تجارب و راهنمایی دقیق و مشخص کمک ذیقیتی به کارگران مبارز است و بآنها نشان میدهد که چگونه باید متشکل شد و مبارزه کرد.

ما موفقیت ناشران «شعله جنوب» را صمیمانه آرزو میکنیم و بآنها رفقانه درود میفرستیم.

بقیه از صفحه ۶

این فرمان بگارد سرخ دستور داده شده است که از استعطاق و تبعید اجباری مردم، مسخ قیافه و تحقیر آنها، کتک زدن آنها، آویختن اوجه توهین بگردن آنها، ایجاد گروههای اجباری کار و غیره خودداری شود. انتقاد از عملیات «کار سرخ» زمانی شروع شد که مردم دست بمقاومت زدند و عده ای از اعضاء کار سرخ را بقتل رساندند. این اقدامات در یک کشور سوسیالیستی آنهم بنام «انقلاب فرهنگی» بیرونری، تنها مبتذل کردن نام بزرگ سوسیالیسم و فرهنگ و پروتاز نیست. لنین بزرگ بما میآموزد: «فرهنگ پرولتری بایستی رشد و تکامل قانونی آن ذخیره هائی از دانش انسانی باشد که بشریت در زیر ستم جوامع سرمایه داری و مالکی و بوروکراتیک بدست آورده است، (جلد ۳۱ صفحه ۱۶۲). پیروزیهای بشریت را در زمینه فرهنگ نمیتوان تنها بحساب طبقات استثمارگر نوشت. طبقات زحمتکش با درد و رنج و مبارزه خود مهر و نشان خویش را در ایجاد ارزشهای بزرگ ادبی و هنری برای نسلهای آینده گذاشته اند. اراده این یا آن فرد و گروه نمیتواند جمله را از اینهمه گنجینه های شگرف فرهنگی مجروح سازد.

فرهنگ سوسیالیستی ذخائر فرهنگی دورانهای گذشته را حفظ میکند و آنها را با تجارب خود غنیتر میسازد و از آنها در مبارزه انقلابی خویش برای تحویل آینده جامعه بسوی کمونیسم استفاده مینماید. حزب ما که خود در کشوری دارای فرهنگ بسیار غنی و کهنال فعالیت میکند هرگز از این آموزش لنین دانه به بزرگداشت فرهنگ گذشته و استفاده صحیح از آن چشم نخواهد پوشید. چین بر جمعیت ترین کشور سوسیالیستی است، دارای فرهنگ و تمدن غنی باستانی و گذشته انقلابی است. بنا بر این حوادث ناگواری که در این کشور میگذرد هم اکنون نتایج سوء خود را در همه زمینه ها بویژه در جهان سیاست بضرر جهان سوسیالیسم و کمونیسم و ضرر جنبشهای رهائی بخش ملی ببار آورده است. امپریالیسم و ارتجاع جهانی از آثار سوء این

شماره دهم روزنامه «شعله جنوب» ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران منتشر شد. در این شماره تشکیلات خوزستان از تمام رفقا و دوستانی که با گذشت و فداکاری خود بچاپ این نشریه کمک نموده اند تشکر کرده است. سرمقاله «شعله جنوب» به بحث در پیرامون وقایع ۲۸ مرداد پرداخته است و پس از بیان عواقب کودتای ۲۸ مرداد چنین مینویسد: «بشهادت دوست و دشمن حزب ما در پیشاپیش مردم ایران بیشتر از هر دسته، جمعیت و سازمانی ضریبات مهلک و بیداد گراانه این دستگاه وحشت و ترور را تحمل کرده و قربانیهای فراوانی تار راه آزادی خلقهای ایران ساخته است. شهادت و اعدام هر یک از یاران ما اعم از افسر و شخصی، کارگر و روشنفکر صفحه زرین درخشانی در تاریخ مبارزات مردم ما گشوده است که هر گز از صفحه روزگار زدوده نمیشود...»

در مقاله دیگری پس از ذکر تبدیل محکومیت اعلام رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو به حبس ابد بدرستی خاطر نشان شده است که: «... گر چه این تبدیل خود موفقیتی برای افکار عمومی بود ولی هرگز کافی نیست. این رفقا و سایر زندانیان سیاسی اعم از توده های، و جبهه ملی و غیره «جرمی جز وطن دوستی و ملت خواهی و ترقی و آبادانی ایران سعادت و رفاه مردم ایران نداشته و ندارند... خواستاریم که همه زندانیان سیاسی توده های و غیر توده های از زندان آزاد گردند و باغوش خانه و خانواده شان باز گردانده شوند». شعله جنوب قسمتهائی از آخرین دفاع این دو رفیق ارجمند حزبی را در دادگاه نظامی منتشر نموده است. این سخنان ساده، کوتاه، بدون ادعا و بر معنی است و میهن دوستی و ایمان مبارزان توده های را در این دوران سیاه نشان میدهد.

زنده باد حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، «گله ما از رهبران حزب کمونیست و رجال دولتی جمهوری توده های رومانی»، «درد فراوان بمردم قهرمان ویتنام مقاله های دیگر همین شماره است. شعله جنوب همیشه در شماره های خود بطرز جالبی اخباری از مبارزات کارگران خوزستان برای بهبود شرایط کار و زندگی خود درج میکند و محرومتهای آنها را از زبان خودشان شرح میدهد. در این شماره

نیز چند خبر درج شده است، از جمله اعتصاب پیروزمندانه ۷۰ نفر کارگران تعمیرات شعبه آب و بخار برای داشتن لباس و کفش کار، مبارزه موفقیت آمیز خانواده های ساکن منازل کارگری شرکت نفت برای جلوگیری از تصمیم شرکت نفت که میخواست مصرف برق کارگران را به یک رادیو و ۴ شعله چراغ محدود کند و اعتصاب ۳ روزه عده ای از کارگران گمرک برای اجرای قانون کار و بیمه های اجتماعی و شکایت کارگران چندین قنای از ستم کار فرما و غیره و غیره.